

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

بازتایپ و ارسال از: لاله

۰۱ جون ۲۰۱۵

نظری گذرا بر نثر و شعر دری

(قوانین، صناعات، سبک ها و مکاتب ادبی)

مؤلف: زنده یاد داد نورانی

(۱)

من آنم که در پای خوکان نریزم

مر این قیمتی در لفظ دری را

"قبادیانی"

پیشگفتار فرستنده:

زنده یاد داد نورانی در دوران مهاجرت با حس تربیه درست اولاد وطن و انرژی انقلابی که برای تغییر پدیده ها داشت، تصمیم گرفت تا یافته های زبان دری خود را به شکل مجموعه ای از نوشته ها در کتابی بگنجاند و آن را برای شاگردان صنف های یازده و دوازده تدریس نماید.

به عنوان یکی از شاگردان وفادارش در آن ایام، با اشتیاق فراوان تدریس مضامین بیولوژی و دری آن بزرگمرد را فرا می گرفتم. تصادفاً امروز از لابه لای کتاب های سابق، به این دست نوشته (نظری گذرا بر نثر و شعر دری...) برخوردم و یاد آن ایام خاطره انگیز و پر شور و هیجان افتادم. تصمیم گرفتم تا ادای دین کنم و این دست نوشته را بازتایپ نمایم.

یادم است که در آن ایام به صراحت می گفت که این نوشته خالی از اشتباه نیست، اما به مراتب از کتب دری چاپ رژیم های ارتجاعی و ضد مردمی می تواند برای شاگردان مؤثرتر واقع گردد. حال که فرصت و امکانات دارم می خواهم این دست نوشته را که معلوم می شود در آن ایام با زحمت زیاد تحریر داشته است، تایپ و در اختیار همگان بگذارم تا استفاده هر چند اندک از آن صورت بگیرد.

لاله

مقدمه:

کتب درسی که برای پروگرام درسی ما چه در گذشته و چه در سال های اخیر ترتیب داده شده، کمبود های جدی و فراوانی دارند. این کتب صرف جهت فراگیری خواندن و نوشتن ترتیب یافته اند (گرچه در این زمینه هم اشتباهات بسیاری دارند که تذکر آن ها در این مقدمه کوچک ممکن نیست). لذا برای صنوف بالا (به خصوص صنوف

۱۱ و ۱۲) که دیگر در خواندان و نوشتن مشکلی ندارند، فراگیری قوانین، صناعات، سبک ها و مکاتب ادبی چه در نثر و چه در شعر، حرفه ای می باشد که متأسفانه با فراگیری صرف این کتب نمی توان به این هدف نایل آمد. لذا با تمام مشکلات و گرفتاری ها بر آن شدم تا به طور اجمالی نوشته حاضر را ترتیب و در رفع این نقیصه قدمی بگذارم.

این نوشته که به خاطر چنین هدف میمون و ارجمندی نوشته شده است، مطمئناً به طور کامل مشکل ما را حل نخواهد کرد و کمبود هائی هم خواهد داشت که با انگشت گذاری سالم دوستان به رفع آن ها مبادرت خواهد شد.

با حرمت و درود

داد نورانی

زمستان ۱۳۷۶

همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس که دراز است ره مقصد و من نو سفرم "حافظ"

کلام

کلام، کلام، کلام، کلام، کلام، کلام، کلام، کلام

آهنگیست که به حرکت دهن و زبان از حروف و کلمات ترکیب یافته و برای بیان مقصود گفته شده باشد. مقصود اصلی از سخن تفهیم معانی و تعزیر حالات متفاوت است و در صورتی آن را کلام ادبی و گوینده را ادیب سخن سنج می گویند که مقصود خود را به بهترین وجه بفهماند و در روح شنونده مؤثر باشد، چنان که باعث انقباض یا انبساط او گردیده، خاطر او را بر انگیزد تا حالتی را که منظور اوست از غم و شادی و مهر و کین، رحم و عذوفت، انتقام و کینه جوئی، خشم و عتاب، عفو و اغماض و امثال آن معانی در وی ایجاد کند. عموماً بیان سخن یا با زبان نثر است و یا با زبان شعر. ابتداء سخن نثری را به بحث گرفته، در مورد شعر بعداً صحبت می کنیم.

نثر در لغت به معنی پراکندگی و پراکندن است و در اصطلاح سخنی است که مقید به وزن و قافیه و یا مقید به خصوصیات شعر نباشد: نثر بر دو قسم است. نثر مسجع و نثر مرسل.

نثر مسجع آنست که جمله های قرینه دارای سجع باشد. سجع در نثر به منزله قافیه است در شعر و در صورتی که مقید به سجع نباشد نثر مرسل است، که آزاد و خالی از قید سجع می باشد.

نثر مسجع از لحاظ روانی و تکلف به دو نوع می باشد:

نثر مسجع ساده، گلستان سعدی و مناجات های خواجه عبدالله انصاری، نثر مسجع مشکل مثل تاریخ معجم و تاریخ وصاف.

نثر مسجع ابتداء مخصوص زبان عربی بوده، در زبان دری به تقلید از زبان عربی راه یافته است، که در حقیقت فاصله ایست مابین نثر مرسل و شعر. بدین ترتیب می توان آن را نوع سوم از سخن ادبی محسوب کرد. "رونده بی معرفت مرغ بی پر است و عالم بی عمل درخت بی بر و زاهد بی علم خانه بی در"

"گلستان سعدی"

مابین کلمات پر، بر و در صنعت سجع است.

سخنی که به سجع بیاید آن را تسجیع می گویند. سجع به سه قسم است. متوازی، مُطرف و متوازن.

- سجع متوازی:** آن است که کلمات سجع در وزن و حرف روی هر دو مطابق باشند، مانند (کار، بار) – (دست، دشت) و (خانه، نامه). مثال: توانگری به هنر است نه به مال و بزرگی به خرد است نه به سال "گلستان"
- سجع مطرف:** آنست که الفاظ در حرف روی یکی و در وزن مختلف باشند، مانند: (کار، شکار) و (شانه، نشانه). مثال: ابر حاضرند و نمی بارند، چشمه آفتابند و بر کس نمی تابند، بر مرکب استطاعت سوارانند و نمی رانند "گلستان"
- سجع متوازن:** آنست که کلمات قرینه در وزن متفق و در حرف روی مختلف باشند، مانند (کام، کار) و (نهال، بهار). مثال: فلان را اصلی است پاک و طینتی است صاف، دارای گوهریست شریف و صاحب طبعی است کریم.
- نثر مرسل هم به دو قسم است. نثر مرسل ساده مثل سیاستنامه خواجه نظام الملک، کیمیای سعادت و قابوسنامه. نثر مرسل مغلق مثل بعضی از قسمت های کلیله و دمنه، مرزبان نامه و جهانگشای جوینی.
- و اما درستی سخن آنست که اجزای کلام و ترکیب بندی آن موافق قواعد دستور و لغت باشد. پس اگر کلمه ای غلط و جمله ای مغلوط به کار برند از درجه اعتبار ادبی ساقط است.
- آوردن کلمه نادرست را در ادب مخالف با فصاحت کلمه یا فصاحت مفرد می گویند، که دارای سه عیب می باشد:
- ۱- **مخالفت قیاس (ناهنجاری):** آنست که کلمه موافق قواعد لغت و دستور نباشد. مثلاً آوردن علایم جمع عربی در دری – معلمین که باید معلمان بیاید، داوطلبین که باید داوطلبان بیاید. آوردن تنوین در کلمات دری مثل زبانا، مجاناً و یا نوشتن حسب خواهش، حسب الفرموده و...
 - ۲- **تنافر یا نارسازگاری:** آنست که آهنگ کلمه بر زبان سنگینی کند که گران آهنگ هم گفته می شود. مثل عهخع به معنی شترخار یا پنهانست که ۴ ساکن در آن به کار رفته است.
 - ۳- **غرابت یا نا آشنائی:** کلمه ای نا مأنوس و دور از ذهن یا در گوش مستمع سنگین و ناخوش آهنگ باشد. آن را وحشی و نا آشنا یا ثقیل و بد آهنگ می گویند. مانند کلمات ثقیل عربی و الفاظ نا مأنوس فرنگی و بعضی لغات مهجور دری. مثل چشم‌اغیل (به گوشه چشم دیدن)، آزنداک (کمان رستم و...
- آوردن جمله ای نادرست که آن را مخالفت با فصاحت جمله می گویند آنست که جمله از کلمات فصیح ترکیب شده و خود از شش عیب خالی باشد:
- ۱- **ضعف تألیف:** آنست که ترکیب جمله خلاف قواعد دستوری باشد. مثلاً آوردن ضمیر جمع ذیروح مثل قلمها شکستند، دیوارها چپه شدند که باید نوشته شود که قلمها شکست، دیوارها چپه شد. (عده بسیاری از ادباء امروز موافق این دستور نبوده و برای غیر ذیروح هم جمع می آورند، قلمها شکستند...)
 - ۲- **تعقید یا پیچیدگی:** جمله ای که معنی آن پیچیده و فهم آن دشوار باشد و آن می تواند تعقید لفظی و یا تعقید معنوی باشد که دران کنایات، تشبیهات و استعارات بسیار پیچیده به کار رفته باشد.
 - ۳- **تنافر کلمات:** آنست که الفاظ جمله هر کدام به تنهایی تنافر نداشته باشد، اما گفتن آنها به توالی و یا پشت سر هم بر زبان سنگین و دشوار باشد. مثل خواجه توجه تجارت کنی.
 - ۴- **تنافر معنوی:** که جمله های نثر، هر کدام به تنهایی معنی داشته باشد، اما میان آنها در معنی سازگاری وجود نداشته باشد. مثل آفتاب از کوه بر آمد، پسر من شوخ است.
 - ۵- **تتابع اضافات:** آوردن کسره های متوالی مثل قابل عرض جناب مستطاب کمیاب...
 - ۶- **کثرت تکرار:** آنست که در یک جمله یا چند جمله نزدیک به یکدیگر یک کلمه را چند بار تکرار کنند. مانند در بازار در دم در پهلوی دکان در راه ایستاده بود.

علامه: نقطه گذاری یا علامت گذاری عبارت از به کار بردن یک دسته نشانه ها در نوشته به غرض وقفه در آواز و بهتر فهماندن مقصود است. هدف مهم نقطه گذاری فصاحت در نوشته است. در تألیفات و نوشته های قدیم علامت گذاری معمول نبوده بعد ها اروپائیان آن را در نوشته های خود به کار برده و نویسندگان معاصر هم به پیروی از آنان علامت های معمول آن ها را در نوشته های خود وارد کرده اند که عبارت اند: نقطه یا توقف کامل (.)، کامه (،) یا توقف کوتاه، سمیکولن (؛) یا توقف بلند، شارحه (:). یا دو نقطه سر به سر، ناخنک ("...")، خط کوتاه (-) دش یا خط تیره، سه نقطه (...)، ستاره (***)، قوسین ()، اخیراً به شکل دو دش می نویسند (- ... -) سؤالیه (?)، ندائیه (!)، یک سؤالیه یک ندائیه (!?) و دو ندائیه (!!).

ادامه دارد...